

پس از نخستین گام‌زائر

سیدالشهدا(ع)...

بشیر دهن‌ا می‌گوید که امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: شخصی که به زیارت قبر حضرت حسین‌بن‌علی علیه‌ا

السلام می‌رود، زمانی که از اهلسی‌چنا شده، با نخستین گامی که برمی‌دارد، تمام گناهانش آمرزیده می‌شود. سپس با هر قدمی که برمی‌دارد پیوسته تقدیس و تنزیه می‌شود تا به قبر برسد و هنگامی که به آنجا برسد، حق تعالی او را می‌خواند و با وی مناجات می‌کند و می‌فرماید: «بنده من! از من بخواه تا به تو اعطا کنم، مرا بخوان تا اجابتش کنم، از من طلب کن تا به تو بدهم، حاجت را از من بخواه تا برایت روا سازم.»
راوی می‌گوید: امام علیه‌السلام فرمودند: «و بر خداوند متعال حق و ثابت است آنچه را که بذل کرده، اعطا فرماید.»

این قولویه قمی / کامل‌الزیارات
 سیمحمد جواد ذهنی تهرانی انتشارات پیام حق - صفحه ۴۳۲

آیت‌الله‌العظمی‌خویی‌را شهید کرده

اخیراً مطلع شدم آقای خوبی را صدام شهید کرده است. داستان عجیبی را برای من در نجف نقل کردند.قلب ایشان باتری داشته است و هر چند سال یکبار به خارج می‌رفتند و باتری قلب‌شان را عوض می‌کردند. در آخرین مرحله که می‌خواستند به خارج سفر کنند، به ایشان اجازه خروج نمی‌دهند و می‌گویند نیازی به سفر خارج نیست،بیمارستان‌های خودمان باتری قلب شما را عوض می‌کنند و یک باتری تاریخ مصرف گذشته و فرسوده در قلب ایشان کار می‌گذارند. بعد از چند روز نیز ایشان از دنیا می‌روند.

سیدعلی‌اکبر محتشمی‌پور / هفته‌نامه آسمان
 شماره تیرماه ۱۳۹۱

راز دیده شدن

تا هنگامی که انسان به آدم‌ها نگاه نمی‌کند آنها وجود ندارند. آدم‌ها وقتی وجود پیدا نمی‌کنند که انسان به آنها هم مثل تلویزیون نگاه کند. فقط آن موقع است که آدم‌ها قبل از اینکه به وسیله تصویر دیگری محو شوند در فکر آدمی‌باقی می‌مانند. این درباره او هم صادق بود. آدم‌های دیگر با نگاه کردن به او می‌توانستند که آدم‌ها را در تلویزیون فقط تماشا می‌کرد ولی دیگران نشدن به معنای تیره شدن و محو شدن بود. شاید او که آدم‌ها را در تلویزیون فقط تماشا می‌کرد ولی دیگران او را تماشا نمی‌کردند، خیلی چیزها را از دست می‌داد. خوشحال بود که حالا بعد از مرگ بپرورد می‌رفت که به وسیله اشخاصی که هرگز او را ندیده بودند، دیده شود.

پروژی کازینسکی / حضور
 ساناز صحتی - نشر نو - صفحه ۱۰

۷سفرارش پیامبر(ص) به سلمان فارسی

در روایتی مشهور از سلمان فارسی آمده است: خلیلم اِدوست نزدیکم! پیامبر خدا(ص) مرا به ۷ چیز سفرارش فرمود که در هیچ حالی آن را وانگذاشته‌ام او همیشه بدان پایبند بوده‌ام. اینکۀ اَدُر امور مالی و اقتصادی! به زیردست خود بنگرم و به کسی که از من برتر است، نگاه نکنم؛ تهیدستان را دوست بدارم و آنان را به خود نزدیک سازم؛ سخن حق را بگویم؛ هر چند تلخ باشد؛ با نزدیکانم پیوند داشته باشم (صله رحم را بجا آورم) هر چند آنان رویگردان باشند؛ او توجه چندانی به این امر مهم نداشته باشند؛ از مردم چیزی رانخواهم و این اَدُر! که را بسیار بگویم: «لا حول و لا قوة الا بالله»، چرا که گنجی از گنج‌های بهشت است.

تولد محمد خالد / رجال حول الرسول(ص)
 بیروت: دار الفکر - صفحه ۳۳۸

آتش و عطش جست‌وجو

نمی‌دانم. متحیرم چرا حاصل تلاش بزرگانی چون ابن‌سینا، فارابی، غزالی و ابوالحسن اشعری که عمرشان را بدون اندکی غفلت وقف این راه کردند، چنگی به دلم نمی‌زند. عطشی عجیب دارم. به مراغه می‌روم یا هر جا که سرچشمه فیضی باشد. به مال و جاه و زن و فرزند نمی‌اندیشم؛ اینها بندی است که مرا از حرکت بازمی‌دارد. لحظه‌ای را نمی‌توانم بیاسایم. عطش معرفت دارم و آتش جست‌وجو در دل! با کوله‌باری از کتاب. گمشده‌ای دارم که باید جست‌وجویش کنم و در این مسیر چیزی جز تیغ اجل یا شمشیر جهل و حسادت بیمنام نمی‌کنند.

سیدیحیی یثربی / قلندر و قلعه
 نشر قو - صفحه ۶۴

قصه‌ای از روی صفا!

یک روز باهم (سیدابوالفضل کاظمی و مهدی خندان) در چادر نشسته بودیم؛ گرم گفت‌وگو. من از روی صفا، قصه‌ای برای مهدی گفتم که خیلی خوشش آمد. آن قصه این بود:

به روز مردم رفتن مسجد برای نماز. همه منتظر آمیزجواد ملکی بودن. یکی او آمد و دید آقا تو حیاط قدم می‌زنی. گفت: «آقا! مردم منتظر هستن.»

آقا گفت: «بگین مردم نمازشون رو قرآن بخونن.» طرف پرسید: «چرا؟»

آقا گفت: «چون حال نماز نیست.»

مهدی خندید و گفت: «آره والله.» منم تا سیگار نکشم و جای نخورم، حال نماز ندارم.

را حله صبوری / کوچه نقاش‌ها
 [خاطرات سیدابوالفضل کاظمی] (چاپ هجدهم، تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۴) صفحه ۲۶۹

حضرت امیر المومنین(ع):

مبادا دشمنان خدا را دوست بداری یا دوستی خود را برای غیر دوستان خدا خالص گردانی، زیرا هر کسی گروهی را دوست بدارد، با آنان مشغور می‌شود.

نگاهی به موج جدید هالیوود که از رژیم صهیونیستی

برای ساخت شخصیت‌های شرور الهام می‌گیرد

منبع الهام شرارت

تعبیری غیر نظامی نیستند. اینها به وضوح یادآور وضعیت رژیم صهیونیستی است. کسی چندان به این نکته درباره فیلم بالرین توجه نکرد و این را هم با قطعیت نمی‌شود گفت که سازندگان این فیلم قصد کنایه‌زدن مخفیانه به رژیم صهیونیستی را داشتند. نکته اینجاست که از جایی به بعد در میان هالیوودی‌ها دیده می‌شود برای ساخت و پرداخت شخصیت شرور یا گروه‌های شرور در فیلم‌های‌شان دارند از وجود رژیم صهیونیستی الهام می‌گیرند. چندی پیش دواین جانسون که بازیگر تعداد زیادی از پر فروش ترین فیلم‌های اکشن و سرگرم کننده هالیوود است، جملهای گفت که کدهای لازم برای توجه به این موضوع را در می‌شد از آن استنباط کرد؛ «من شرارت‌های زیادی را در فیلمنامه‌های هالیوود دیدم‌ام اما هیچ‌کدام با آنچه اسرائیل در غزه انجام می‌دهد قابل مقایسه نیست.»

مدتی بعد از اکران بالرین هم وقتی چند وقت پیش فیلم جدید «سوپرمن» اکران شد، زرمهمایی درباره آن همه جا پیچید که این داستان رژیم اسرائیل و مردم غزه را در قالب ۲ سرزمین خیالی بازسازی کرده و جنگی را به شکل نمادین نمایش می‌دهد که معادلی از جنگ جاری در فلسطین است. حتی برای دونالد ترامپ هم در این فیلم شخصیتی نمادین وجود داشت. به همین دلیل خیلی‌ها از این فیلم استقبال کردند و عده‌ای از صهیونیست‌ها به آن ناختند. فیلم‌های هالیوود از دهها سال پیش پر از نمادهای سیاسی بودند اما به شکل شگفت‌انگیزی بسیار کم دیده می‌شود نویسندگان سینمایی این کشور در مطالب‌شان به چنین مواردی اشاره کنند. اساساً نقد فیلم در آمریکا مثل خود سینما کاملاً صنعتی شده و دنباله‌ای از چرخه تجاری است و کار را به جایی فراتر از معرفی آثار نمی‌کشاند. احتیاط‌های تجاری از سر و روی صنعت نقد فیلم آمریکایی یا به تعبیر

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
 روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳
 پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
 پیام‌رسان: @vatanemrooz
 چاپ: موسسه جام‌چم پرتو پرتا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



دقیق تر رویونویسی‌اش می‌بارد و اصولاً آنها اهل تفسیر یا تعمیق در مطالب رسانه‌ای مربوط به فیلم‌های خودشان نیستند اما در همین جو و همین حال و هوا واکنش‌های گسترده‌ای که به فیلم سوپرمن انجام شد، نشان می‌دهد انگار واقعا خبری شده بیرون از ماجرای فیلم‌ها و سریال‌ها هم شخصیت‌های مشهور هالیوود درباره مساله فلسطین وضعیت چالش‌برانگیزی دارند. اعلام موضع علیه اسرائیل در آنجا بسیار پر هزینه است اما بعضی‌ها روشنی برای نسوزاندن همزمان کباب و سیخ چوبی‌اش پیدا کرده‌اند و عده‌ای دیگر علنا موضع گرفتند. مساله فیلم سوپرمن اما نشان‌دهنده اتفاق ویژه‌ای در هالیوود است. آنچه در این فیلم به عنوان عنصر شر نمایش داده شد، شباهتی واقعی به رژیم صهیونیستی و شخص نتانیاهو و حامی اصلی‌اش ترامپ داشت و اگر سرمان را بگردانیم و اندکی در میان باقی آثار

رونوشت از شیطان رحیم

لحظه یا چند دقیقه بعد ویران می‌کند اما کسل‌کننده است اما فیلمی دیگر با اینکه به نظر می‌رسد کاملاً کلاسیک روایت شده، تا عمق جان نفوذ می‌کند. مساله این است که تکلیف بعضی از آثار با مسائل خیر و شر مشخص نیست و برای همین با به کار بردن پیچیده‌ترین تکنیک‌های روایی هم جذاب نمی‌شوند ولی بعضی‌های دیگر برعکس هستند. هالیوود در سال‌های اخیر گذشته از تمام مسائل سیاسی و ساختاری‌اش، از جهت نوع مواجهه با خیر و شر بلا تکلیفی شده و برای همین تمک سایشش را از دست داده است. پیروزی به خودی خود نمی‌تواند لذت‌بخش باشد مگر برای تحقق یک خیر واقعی و سرکوب یک شر واقعی. وقتی خیر و شر ضعیف پرداخت شوند، پیروزی و شکست داخل روایت‌ها هم از سکه می‌افتند و انگیزه شخصیت‌ها و انگیزه مخاطبی که با آنها هم‌زادنداری می‌کند، رمق کافی را نخواهند داشت و حتی موفقیت‌ها هم پوچ و بی‌ارزش به نظر می‌رسند. وقتی ایالات متحده با فاشیسم و نازیسم رودررو بود، توان ساخت و پرداخت امر شر را بهتر داشت. انگار جهان بیرون، قالب‌هایی از شر را پدیدار کرده بود که به جهان درون ذهن نویسنده‌ها هم قالب می‌داد. پس از جنگ جهانی دوم هم این خاطره شوم تا مدت‌ها توانست بود روی قالب‌گیری ذهن روایت‌پردازان، اثر خود را باقی نگه دارد. بعد، جنگ سرد به راه افتاد و روایتی با بلوک شرق توانست به ذهن

افت محسوسی در رنگ‌مایه اصلی‌اش کرده و چه حجمی از روح آن از کالبدش رفته است. فیلم‌هایی هستند که اساساً با موضوع اقلیت‌های جنسی یا رنگین‌پوست‌ها یا زن‌ها ربط چندانی پیدا نمی‌کنند اما در آنها هم دیگر نمی‌توان رنگ اثری سینما را دید. اگر قرار باشد دلیل این قضیه به شکل عمیق بررسی شود، خیلی‌ها ممکن است نظرات مختلفی بدهند و دلایل متفاوتی برای آن مطرح کنند. در اینجا اما تأکید روی یک مورد خاص و ویژه است که به عنوان یک متد می‌توان آن را روشی برای بررسی ریشه‌ای سینما، نه فقط سینمای آمریکا بلکه جهان و نه فقط سینمای جهان، بلکه کلیت هنر و زیبایی‌شناسی قرار داده مساله خیر و شر. ساختن خیر و شر از عامه‌پسندترین آثار تا نامرکس سخن گفته است. برای همین است که گاهی می‌بینیم شوکه‌کننده‌ترین طرح یک‌خطی، تبدیل به فیلمی می‌شود که اصلاً شوکه‌کمان نمی‌کند و برعکس، گاهی از ساده‌ترین خط داستانی فیلمی بیرون می‌آید که انگار همه چیز آن تازه است. برای همین است که گاهی یک فیلم مرتب غافلگیری دارد و به مخاطبش رو دست می‌زند و مدام چیزهایی را می‌سازد که چند

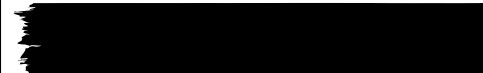
بازیگر نقش فرشته باشیم

بسته و بی‌رودر بایستی برای دفاع تمام‌قد از اسرائیل گرفته، عده‌ای از سینماگران آمریکا بی همه چیز را به تن می‌مالند و صراحتاً در دفاع از مظلومان اعلام موضع می‌کنند. اینها اما باعث نمی‌شود که وقتی الهام‌گیری نویسندگان هالیوود از اسرائیل برای ساخت و پرداخت امر شر را در چند مورد می‌بینیم، تصور کنیم همه چیز به یکباره دگرگون شده است. نه همه چیز عیناً مثل سابق است و نه زیر و بم ماجرا دگرگون شده. مساله نه‌این است و نه آن. مساله نه صرفاً کسانی هست‌د که هنوز سفت و سخت پای حمایت از رژیم صهیونیستی در رسانه و صنعت سرگرمی غرب ایستاده‌اند و نه کسانی که فداکارانه یا حتی ریاکارانه بر این خفقان می‌شوند. با یک تفکیک ساده بین «موضوع» و «مساله» می‌توان به نقطه کانونی بحث بیشتر نزدیک شد. موضوع این است که اگر بخواهیم در داستان‌های‌مان عنصر شر را بسازیم، مگر چه منبع الهامی بهتر از رژیم اسرائیل می‌تواند وجود داشته باشد؟ این موضوع در بلندمدت می‌تواند برای رژیم صهیونیستی گران تمام شود چون ذهن چند نسل از مخاطبان سینما را طوری قالب‌ریزی می‌کند که به شکل ناخوداگاه این رژیم را شر مطلق ببیندارند؛ هر چند ظاهراً آنها قید خوشنامی را زده‌اند و وارد یک تیرد آخر ازمان‌زایی برای بقا شده‌اند. مساله اما هم‌هش این نیست که الهام گرفتن هالیوود از رژیم صهیونیستی به عنوان شر مطلق چه تأثیر بلندمدتی در افکار عمومی دنیا می‌گذارد، بلکه مساله این است که این چیزها به ما ثابت می‌کند در شکل درست و قابل پذیرش یک روایت چقدر حق، حق است و چقدر ناحق، در ناحق بودن خودش، پرده از صحنه تحجیم برداشت و به قدری خبیث رفتار کرد که خاکستری و مشوه و غبار آلود می‌گذریم. بدی و خوبی دارند جدی گرفته می‌شوند و به چشم می‌آیند و گزارش‌های مثل اینکه هیچ کسی یا هیچ ایده‌ای کاملاً بد و کاملاً خوب نیست، اختلال و حفره و رخنه و نقیض پیدا می‌کنند. خوب است که هنرمندان ما، متفکران ما و اهالی رسانه‌مان همه به این توجه کنند که دنیا دارد به دو جبهه سفید و سیاه تقسیم می‌شود و طیف خاکستری در حال خارج شدن از کانون است. وقت آن است روی هر موضعی که داریم محکم بایستیم تا زینا باشیم و گر نه پس زده خواهیم شد. در روزگار جدیدی که پیش رو داریم و بخشی از آن را تسری کرده‌ایم، صراحت زیباست. حتی هالیوود دارد برای نشان امر شر از اسرائیل الهام می‌گیرد که در شیطانی بودنش صراحت دارد و حالاست که ما می‌توانیم نسخه‌ای از خیر که جهان با آن از نزدیک تماس نداشته یا از یاد برده را رونمایی کنیم. ما که مامور به وظیفه‌ایم نه نتایج و برای تحقق خوبی‌ها می‌جنگیم نه برای سود، اگر اسرائیل مظهر شر است، چرا ما مظهر خیر در این دنیای جدید نباشیم؟

روزنامه سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی
 صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد اخوندی
 مدیر عامل: رضا شکیبایی
 سردبیر: سید عابدین نورالدینی



هالیوود که طی همین یکی دو سال ایده‌شان شکل گرفت بچرخانیم، می‌بینیم که کم و بیش چنین مواردی را در آثار دیگر هم می‌توان یافت. اینکه هالیوود برای الهام‌گیری از واقعیت، ساخت و پرداخت امر شر در قصه‌ها امروز هیچ منبع الهامی بهتر از رژیم صهیونیستی ندارد، به این معنا نیست که سینمای آمریکا کاملاً به سمت دفاع از فلسطین گردش کرده است اما این معنا را می‌دهد که مفهوم شر در جهان امروز صدقاً و معنای جدیدی پیدا کرده که تا دیروز به این شکل دیده نمی‌شد. در ادامه، این موضوع تا حد ممکن واکاوی شده و تلاش شده تا تبیین شود که در این آرایش ذهنی جدید دنیا، اهالی رسانه و هنرمندان ما چگونه و با چه رویکردی می‌توانند فعالیت کنند.



هالیوودی‌ها برای ساختن امر شر قالب بدهد. از جایی به بعد اما این طرح‌واره کلی هم فرو ریخت در این مرحله جدید، گروه‌های بنیادگرایی مذهبی یا باندهای تبهکار مافیایی، نمی‌توانستند به آن اندازه مظهر شرارت باشند که دشمنان بزرگ سیاسی می‌توانستند. عده‌ای دیوانه افراطی که تشکیلات‌شان دست‌ساز خود آمریکاست یا عده‌ای درد و قاچاقچی مسلح که مبنای اصلی شرارت‌شان پیروی بی‌پروا و بی‌مهار از اصل سودهجوری است، همان چیزی که پررنگ‌ترین عامل فرهنگی در خود آمریکا هم هست، نمی‌توانند منبع الهام خوب و کاملی برای شر باشند و وقتی امر شر در اعلائی حد خود ظهور و بروز پیدا نکند، امر خیر هم نمی‌تواند خودی بنمایند. نویسنده‌ها آگاهانه یا ناخوداگاه امر شر را از جهان بیرون از ذهن‌شان دریافت می‌کنند و سپس آن را در قالبی دیگر در داستان‌شان حلول می‌دهند و وقتی در آن جهان بیرون منبع الهامی یافت نشود، در درون ذهن‌ها هم معادلی برایش ساخته نخواهد شد. اگر به روزهای اوج هالیوود نگاه کنیم، آنچه در داستان‌های کاملاً سرگرم‌کننده و لاقال به ظاهر غیرسیاسی دیده می‌شد، هم از دغدغه‌های کلان سیاسی در جامعه آمریکا الهام گرفته بود و پس از ساخت و پرداخت امر شر، خیر را در خود جامعه این کشور یافت می‌کرد.

